

گفت‌وگو
روزنامه صبا با
داریوش فرضیایی،
عمو پورنگ همه
نسل‌ها

تلویزیون از کودک امروز جا مانده است

کودک امروز با تلفن همراهش محتوا می‌سازد
نه با نصیحت‌های ما

نیره رضایی مطلق
گفت‌وگو

همچنان دغدغه کودکان را دارد. می‌گوید «بچه‌ها عوض شدند و این تغییر نسل مرا مضطرب می‌کند. نگرانم که من برای این نسل چه باید بکنم و همه ذهنم را این موضوع درگیر کرده که چگونه از این نسل یاد بگیرم و بهشان نزدیک شوم. فقط نزدیک شوم چون می‌دانم که دوستی با این نسل به این راحتی نیست.» شنیدن این حرف‌ها از زبان داریوش فرضیایی یا شخصیت «عمو پورنگ» که کمتر ایرانی زیر ۳۰ سال پیدا می‌کنید که بخشی از دوره کودکی یا نوجوانی‌اش، پای برنامه‌های او ننشسته باشد، قابل تأمل است. عمو پورنگ بخش مهمی از خاطره بچه‌های دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و حتی ۹۰ است و اگر یک بار در جمعی کنارش باشید متوجه می‌شوید که او همچنان محبوب و خاطره‌انگیز برای نسل‌ها باقی مانده است. فرضیایی که سال‌ها برای این شخصیت تلاش کرده و برای این باور است که «عمو پورنگ» را به راحتی و در هر فضایی خرج نکرده است. او اواخر دهه نود با تولید سه برنامه «محل گل و بلبل»، «بچه محل» و «کلبه عمو پورنگ» خلاقانه در شبکه دو سیما مخاطبان زیادی به دست آورد. از دهه ۷۰ زمانی که با برنامه «پورنگ و تورنگ» نام پورنگ را برای خودش انتخاب کرد هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که او آنقدر در دل مخاطبان کودک بنشیند و وقتی درباره حفظ محیط زیست، مصرف کاغذ، پلاستیک و مفهوم بازیافت و پسماند صحبت می‌کند کودکان مو به مو به توصیه‌ها پیش گوش می‌دهند و با شعارهایش از موضوع فضای مجازی تا زمین پاک همراه می‌شوند. او که خیلی زودتر از بقیه برنامه‌سازان هشدار داده بود: بچه‌های ما زود بزرگ می‌شوند و فضای مجازی فاصله نسل‌ها را خیلی زیاد کرده، حالا خودش هم گرفتار این فاصله بین نسلی شده و بعد از غیبت طولانی‌اش از تلویزیون تلاش می‌کند حرفش را در نمایش خانگی با مجموعه «لالایی» و... بزند. اما اگر این روزها به مانند یک دهه قبل پرکار نیست سرگرم مهم‌ترین اولویت زندگی‌اش، مادرش است. آن قدر ذهنش با مهربان‌ترین موجود زندگی‌اش است که همین را دستمایه کرده تا برای نسل جدید درباره او برنامه بسازد. فرضیایی خودش را فرزند تلویزیون می‌داند و این جمله را چندین بار در گفت‌وگویش تکرار کرد. گفت‌وگوی صمیمانه او با خبرنگار روزنامه صبا را در ادامه می‌خوانید.

پرونده ویژه

این روزها چه می‌کنید؟

زندگی خودم را دارم و با دغدغه‌های مختلف از برنامه‌سازی درگیرم. مطالعه می‌کنم و فعلا که بیشترین وقتم را با مادرم می‌گذرانم. هفتاد درصد ذهنم مراقبت از مادرم است.

شما همچنان در دو مجموعه «آرزوهای چیکی» و «لالایی» دغدغه حوزه کودک را دارید. چه چیزهایی در دنیای کودک است که آن‌ها بزرگ می‌شوند و شما هنوز با نسل بعد زندگی می‌کنید و این همه زمان و انرژی برای آن‌ها می‌گذارید؟

دغدغه من همیشه کودک بوده و مطالعه نسل‌های جدید و کار برای کودک اولویت اصلی من است. دوست دارم نقطه اتصال نسل‌های گذشته با نسل امروز باشم و نگذارم بچه‌های امروز باورها، اعتقادات، فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی که ما در خانه داشتیم و تجربه کردیم را فراموش کنند. مهمترین مشکل این نسل وجود فاصله میان آن‌ها و والدینشان است اصلا حرف هم را نمی‌فهمند و یک دره بین‌شان فاصله است. ما سنت احترام به پدر و مادر را داریم. همیشه به بچه‌ها گفته‌ام که بهترین دوست و مشاور شما مامان و بابا هستند. آن‌ها



باید بدانند در طوفان زندگی و درد و ناراحتی‌های‌شان فقط پدر و مادر به آن‌ها کمک کند و خانواده محل امن برای آن‌ها باشد.

فاصله نسل‌ها
عمیق‌تر شده

این نسل چقدر با کودکانی که یک دهه پیش می‌آمدند استودیوی برنامه‌های شما متفاوت است؟

خیلی فرق دارند. آن قدر که من را مضطرب می‌کنند. بچه‌ها خیلی عوض شده‌اند و فاصله نسل‌ها عمیق و زیادتر شده است. اگر فاصله دهه هفتادی‌ها با هشتادی‌ها فقط ۱۰ سال بود الان فاصله هشتادی‌ها با نودی‌ها به اندازه ۲۰ سال است. حتی یک دهه نودی حرف هشتادی‌ها را درک نمی‌کند و خدا به داد هزار و چهارصدی‌ها برسد. باید قبول کنیم که تربیت ما به پای سرعت تغییرات فناوری‌های روز نرسیده و همه چیز

زود متحول می‌شود. حالا من بیایم با چه ترفندی به دهه نودی‌ها و هزار و چهارصدی‌ها که حتی اصطلاحات گفت‌وگوی‌شان را هم بلد نیستم درباره زندگی اجتماعی و خانوادگی صحبت کنم؟

به نظرم هرکس که با این نسل ارتباط داشته باشد این دغدغه شما را درک می‌کند؟

دغدغه من آینده نسلی است که پیش روی ماست و نمی‌شود با زبان گذشته با او حرف زد. من به شدت احساس نگرانی می‌کنم. از تفاوت لذت‌های‌مان نگرانم. آن‌ها از ذوق کردن‌های ما بی‌اطلاعتند و شاید اصلا باور نکنند که ما با چه چیزهای ساده حال‌مان خوب می‌شد. وقتی با دهه نودی‌ها صحبت می‌کنم سعی می‌کنم فاصله‌ام را با آن‌ها رعایت کنم و گرنه خیلی سریع من را کنار می‌زنند. از یکی‌شان پرسیدم چقدر دوست دارید با ما معاشرت کنید و همراه ما باشید. جوابی که به من داد این بود «ما و شما وجه اشتراکی نداریم اما خب سعی می‌کنیم شماها را درک کنیم.» این جمله خیلی مهمی است. فکر کن، به من می‌گوید سعی می‌کنیم با شما سازگار بشویم و به هر حال مجبوریم زندگی مسالمت آمیزی را کنار هم داشته باشیم. شما کار خودتان را بکنید و تا زمانی که مزاحم ما نیستید ما هم کنارتان هستیم. این رفتارها را که می‌بینم بیشتر دوست دارم کنار بچه‌ها باشم چون حس می‌کنم بدون اینکه نشان دهند چقدر نیاز دارند که یک نفر مراقبشان باشد. به نظرم باید از مسائلی که برایمان ارزشمند است شروع کنم. موضوعاتی که شاید خیلی ساده باشد مانند احترام به خانواده که بسیار مهم است.

نباید
نصیحت کرد

فکر می‌کنید اگر بعد از ۱۴۰۰ در تلویزیون حضور داشتید و برنامه می‌ساختید، با این نسل همراه می‌شدید؟

به نظرم می‌توانستم، بله اگر بوم حتما می‌توانستم روی بچه‌ها تأثیر بگذارم چون من هم با آن‌ها جلو می‌رفتم. شما به برنامه‌های من که روی آنتن رفت نگاه کنید. همه‌شان یا همراه یا یک قدم جلوتر از بچه‌ها بودند. وقتی از محیط زیست، مصرف کاغذ، پلاستیک و پسماند یا کتابخوانی و کنترل فضای مجازی صحبت می‌کردیم این نسل با ما داشت جلو می‌آمد. وقتی از ۵ سالگی به بچه آموزش دهید آن وقت خودش در چهارده سالگی مفهوم احترام به جامعه و خانواده را می‌فهمد.

زبان این نسل را چگونه باید فهمید؟

نباید از بالا به آن‌ها نگاه کرد و فاز نصیحت برداشت. ما فکر می‌کنیم بچه‌ها ما را پس می‌زنند در حالی که این طور نیست. من هر جا که نفهمیدم گفتم تو به من راهکار بده، تو بگو من الان چه کار کنم. بعد وقتی درباره مادرش صحبت می‌کنم. می‌گوید مادرم حریم مرا درک نمی‌کند مدام به فضای خصوصی من سرک می‌کشد. وقتی به او می‌گویم خودت را بگذار جای مادرت و ببین چقدر دلواپس توست که چرا دیر آمدی و فقط نگرانت است، کمی فکر می‌کند می‌گوید خب راست می‌گویی بیشتر از سر نگرانی است نه فضولی.

به نظران تلویزیون و سینما این موضوع را درک می‌کنند؟

سینما حرف اول را می‌تواند بزند. فقط سینما رفتن که نیست الان بچه‌ها انواع فیلم‌ها را در گوشی همراهشان می‌بینند. باید برایشان تولید کنیم که حرفمان را بشنوند. به نظرم هر سالی که جلوتر می‌رویم بیشتر از بچه‌ها غافل می‌شویم. با اینکه همه دارند شعار می‌دهند اما بچه‌های این نسل مظلوم‌تر و مهجورتر هستند مدام از محتوای سالم می‌گوییم اما در عمل می‌بینیم برنامه‌های کمی برای کودکان تولید می‌شود. امروز فیلم ساختن برای کودکان به مراتب دشوارتر از قبل است می‌گوییم برای بچه‌ها ولی هرچه می‌سازیم برای دغدغه‌های بزرگترهاست. من در این چند روز جشنواره فیلم کودک و نوجوان با خیلی از نوجوانان